



جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی

پدیدآورده (ها) : کریمی، شیوا

تاریخ :: مباحث بانوان شیعه :: تابستان 1387 - شماره 16

از 7 تا 38

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/565998>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 23/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه

و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی *

شیوا کریمی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

چکیده

نکاح منقطع (مُتعه، ازدواج موقت، صیغه) از اختصاصات فقه شیعه امامیه است که در قانون مدنی ایران نیز قوانینی بدان اختصاص یافته و مورد پذیرش قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، موجی جدید در توجه به این نوع نکاح به وجود آمده است و برخی از صاحب‌نظران آن را راه‌حلی برای محرومیت جنسی ناشی از فاصله طولانی بلوغ تا ازدواج دائم می‌دانند. اما با توجه به شرایط زمان و مکان، این نیاز احساس می‌شود که قوانین حکومتی باید رویه اجرایی نکاح منقطع را کنترل کنند و مجموعه قوانینی تدوین گردد که کمترین آسیب و بیشترین فایده را در بُعد اجرایی در سطح جامعه داشته باشد. این تحقیق پس از بررسی مختصر فقهی - حقوقی نکاح منقطع، با نگاهی جامعه‌شناسانه به تدقیق موضوع پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: نکاح منقطع، متعه، ازدواج موقت، صیغه.

مقدمه

امروزه برخی صاحب نظران، نکاح منقطع را به عنوان راه حلی برای محرومیت جنسی ناشی از فاصله طولانی بلوغ تا ازدواج دائم می دانند و معتقدند: می توان با ترویج نکاح منقطع راه حلی مناسب پیش پای جوانان گذاشت. از جمله این موافقان می توان از شهید مطهری و دکتر شریعتی نام برد. در سال های اخیر نیز برخی صاحب نظران به آن اشاره نموده اند. پذیرش نکاح منقطع به عنوان راه حلی برای محرومیت جنسی، آثاری را در جامعه بر جای خواهد گذاشت که نیاز به تأمل و دقت فراوان دارد. در وهله اول و پیش از پرداختن به آثار اجتماعی، بجاست نکاح منقطع را از نظر فقهی و حقوقی به اجمال بررسی نماییم.

نکاح منقطع که در اصطلاح فقهی «مُتَّعَه» و در عرف «ازدواج موقت» یا «صیغه» نامیده می شود، از جمله مواردی است که فقط در فقه شیعه امامیه پذیرفته شده. متعه تا زمان عمر در میان مسلمانان رایج بود، اما از زمانی که وی آن را نهی کرد، اهل سنت رأی به تحریم نکاح منقطع دادند.

انواع نکاح

بررسی جامعه شناسان نشان می دهد که ازدواج های اولیه انواع ذیل را شامل می شد:

«تعدد زوجات»، که عبارت است از ازدواج یک مرد با چند زن، «تعدد شوهر»، که یک زن دارای چند شوهر بوده است، «ازدواج دسته جمعی» که چند مرد با چند زن به صورت اشتراک ازدواج می کردند و یک مرد با تمام زنان، و یک

زن با تمام مردان، زن و شوهر بودند؛ «یک زوجی» که مرد فقط یک زن اختیار می‌کرد و زن متعلق به شوهر بود. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۱۵) در عربستان زمان جاهلیت ۹ نوع نکاح وجود داشت: نکاح الاستبضاع، نکاح الزهط، نکاح البدل، نکاح المقت، نکاح الجمع، نکاح الخدن، نکاح الشغار، نکاح السفاح و زواج المتعه. نوع اخیر، همان نکاح موقت است که مورد بحث این نوشتار می‌باشد. نویسندۀ تاریخ الجاهلیة در این زمینه می‌نویسد: «ازدواج موقت از زمان جاهلیت، عقد شخصی بین مرد و زن غیر باکره بود که این عقد در زمان معینی در قبال پولی معین بسته می‌شد و این نوع ازدواج با پایان رسیدن مدت تمام می‌شد.» (عمر فروخ، به نقل از: سجاد، ۱۳۷۵، ص ۲۱)

بنابراین، متعه از جمله نکاح‌های مرسوم در عربستان بوده و در واقع، حکم امضائیه محسوب می‌شود، نه تأسیسیه. (احکام امضائیه احکامی هستند که پیش از ظهور دین مقدس اسلام رواج داشتند و اسلام در آنها شروط و قیودی قرار داد و آنها را پذیرفت.) (سجاد، ۱۳۷۵، ص ۱۴-۲۱)

انواع نکاح در اسلام

شیخ طوسی در نهایه می‌نویسد: «ازدواج بر سه قسم است: یک قسم از آن، همان ازدواج دائم است که محدود به روزها و یا ماه‌های مشخصی نیست و در آن بچه ملحق به پدر می‌شود و نفقه بر مرد واجب می‌گردد... و زن و مرد از یکدیگر ارث می‌برند و آن نکاحی است که چیزی جز طلاق موجب جدایی نمی‌گردد... و یک قسم ازدواج موقت است و آن ازدواجی است که بر پایه مدت مشخص و مهر

معین انجام می‌گردد... و یک قسم ازدواج با کنیزان است.» (شیخ طوسی، به نقل از: عباس زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۱) «علامه در تبصره و محقق در شرایع گفته‌اند: نکاح بر سه قسم است: دائم، منقطع، ملک یمین (نکاح کنیزان).» (حائری، ۱۳۸۰، ص ۶۷)

تعریف نکاح

تعریفی جامع و مانع از نکاح، که هم نکاح دائم و هم نکاح منقطع را دربر بگیرد. تعریفی است که محقق داماد ارائه داده است: «نکاح رابطه‌ای است حقوقی - عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است.» (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۲۲) هم از نظر فقهی و هم از نظر قانون مدنی ایران، نکاح منقطع مشمول عنوان کلی نکاح است.

مفهوم‌شناسی نکاح منقطع

«نکاح مصدر نکح، ینکح بر وزن ضرب، یضرب می‌باشد.» (حائری، ۱۳۸۰، ص ۶۱) نکاح منقطع در اصطلاح فقهی «متع» و در عرف «ازدواج موقت» یا «صیغه» نامیده می‌شود. کتاب محیط المحيط در ذیل کلمه «متع» و مشتقات آن، درباره کلمه «متع» چنین آورده است: چیزی که بدان بهره‌برداری می‌شود، اما بهره‌ای کم و زودگذر و به معنای مشک آب و دلو و طناب چاه، اسم برای تمتیع. گفته می‌شود: برای او متعه‌ای نیست؛ یعنی بهره‌ای نیست. به همین معناست متعه نکاح، متعه طلاق و متعه حج؛ زیرا در این موارد بهره‌برداری وجود دارد.

«نکاح المتعه» نکاحی است که در عقد، وقت آن تعیین شود. در کتاب العباب چنین آمده است که مرد با زن شرط می‌کند که چیزی به او بدهد در مقابل مدت معین، و در مقابل، آن زن خویش را در آن مدت در اختیار مرد بگذارد، بدون اینکه در اول ازدواج صورت گیرد یا بعد طلاق داشته باشد. (موراتا، ۱۳۵۸، ص ۱۳). بنابراین، از حیث لغوی، استعمال لفظ متعه انحصار به نکاح منقطع ندارد، بلکه تنها در دیدگاه فقهی است که معنای نکاح منقطع از آن فهمیده می‌شود.

شرایط و ارکان متعه

«علامه حلی در کتاب شرایع الاسلام خود، چهار چیز را شرط متعه می‌داند؛ صیغه عقد (ایجاب و قبول)، مهریه و تعیین مال و اجرت، وقت گذاشتن در صیغه، زنایی که نمی‌شود با آنها ازدواج موقت نمود.» (سجاد، ۱۳۷۵، ص ۱۸۶)

نکاح موقت چهار رکن دارد:

۱. صیغه: متعه از عقودی است که محتاج ایجاب و قبول می‌باشد. ایجاب، مانند نکاح دائم، از طرف زن است - در این مسئله صاحب متاجر ادعای اجماع کرده است (متاجر، ج ۲، ص ۲۹۸) - و به یکی از الفاظ سه گانه «انکحتک»، «زوّجتک» و «متمعتک» منعقد می‌شود.

۲. محل متعه: در متعه شرط است که اگر زوج مسلمان باشد، زوجه هم مسلمان و یا اهل کتاب (یهود، نصاری و زرتشتی) باشد. این حکم فقط به متعه اختصاص دارد و در نکاح دائم مرد مسلمان نمی‌تواند با اهل کتاب ازدواج کند. زن مسلمان جایز نیست به غیر از مرد مسلمان ازدواج موقت کند. بنا بر قول صاحب جواهر،

به طور مطلق، متعه با دختر باکره کراهت دارد. (جوهر، ج ۵، ص ۱۶۶) دلیل آن، قول امام صادق علیه السلام است که در مورد متعه با دختر باکره فرمود: «یکره للعیب علی اهلها». (حرعاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۵۹، باب ۱۱، ابواب متعه، حدیث ۱۰)

۳. مدت: یکی از ارکان متعه، ذکر مدت است و باید مدت را به گونه‌ای معین کند که احتمال زیاد و کم شدن نداشته باشد. بنابر قول اقوی (شرح لمعه، ج ۵، ص ۲۸۷، جوهر، ج ۵، ص ۱۶۹) اگر مدت معین را در متن عقد ذکر نکرد، متعه منعقد نمی‌شود و اصل عقد باطل است.

۴. مهر: در متعه شرط است که در متن عقد مهریه‌ای از مال معلوم ذکر شود و مقدار آن از زیادت و نقصان محفوظ باشد. اگر به ذکر مهریه اخلاص کرد، بدون خلاف عقد باطل است و در این باره روایات مستفیضه وجود دارد. (حرعاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۶۵-۴۶۶، باب ۷، ابواب متعه، حدیث ۳-۱ / موراتا، ۱۳۵۸، ص ۲۵-۱۹)

متعه از منظر قرآن

آیه متعه

از آیه ۲۴ سوره مبارکه «نساء» به آیه متعه یاد می‌شود. محمد بن یعقوب کلینی بعد از چند واسطه از سهل بن زیاد و نیز علی بن ابراهیم بعد از سه واسطه از ابوبصیر روایت می‌کنند که از امام محمد باقر علیه السلام درباره متعه سؤال شد. آن حضرت فرمودند: آیه «فَمَا اسْتَنْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» درباره آن نازل شده است. همچنین علی بن ابراهیم بعد از سه واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که این آیه درباره متعه نازل گردیده است. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴)

تفسیر علامه طباطبائی از آیه متعه

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه «فَاَسْتَنْتَفْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَاَتَوْهُنَّ اُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» می‌نویسد: بدون شک، مقصود از استمتاع (برخورداری) در آیه مبارکه، ازدواج موقت (متعه) می‌باشد؛ زیرا آیه در سوره «نساء» و در مدینه نازل شده و آن طوری که بیشتر آیات آن نشان می‌دهد، در نیمه اول دوران پس از هجرت حضرت رسول ﷺ می‌باشد و بالتبقی این گونه نکاح (متعه) در آن وقت تا مدتی بین مسلمین رواج داشته - و اخبار در این معنا متفق هستند - چه بگوییم اسلام آن را آورده یا آنکه قبلاً وجود داشته است. و به هر حال، این عمل در مقابل دیدگان پیغمبر ﷺ و با اطلاع وی بوده و به همین نام نامیده می‌شده است. پس مانعی ندارد «فَاَسْتَنْتَفْتُمْ» هم حمل بر این معنا شود، همان طور که در سایر آداب و سنتی که در موقع نزول آیات رایج بوده، وقتی آیه‌ای نازل می‌شده و حکمی برای آن - رد یا قبول و امضاء - می‌آورده است، چاره‌ای بجز حمل آن اسما به معنای مستداول روز نبوده و هیچ‌گاه آن کلمات قرآن را به معانی لغوی آن حمل نمی‌کرده‌اند؛ مانند: حج و بیع، ربا، ربیع و غنیمت و امثال آنها، که کسی نمی‌تواند مدعی شود معنی و مقصود از حج «قصده» است یا در سایر الفاظ بمعانی لغوی مقصود بوده‌اند. پس مسلم است که کلمه «استمتاع» آیه را باید به تکلیف متعه حمل کنیم، به سبب آنکه در موقع نزول آیه از این لفظ، این طور می‌فهمیده‌اند، چه این عمل بعدها با قرآن یا روایات نسخ شده باشد یا نشده باشد و خلاصه مفهوم از این آیه، حکم نکاح متعه است. از مفسرین قدما و صحابه و تابعین، مثل ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب و قتاده و مجاهد و السدی و ابن جبیر و الحسن

و... نیز همین نقل شده. مذهب ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هم همین است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، جلد چهارم، ص ۴۱۷-۴۲۷)

علامه طباطبائی در ادامه با اشاره به اینکه برخی آن را به معنای لغوی، یعنی نکاح، گرفته‌اند، تأکید می‌کند بر فرض صحت این معنا، این معنی با «أَجُورُهُنَّ» جور در نمی‌آید؛ زیرا مهریه به مجرد عقد زناشویی واجب می‌شود و به کامجویی مرد بستگی ندارد، بلکه مهریه نصفش با عقد و نصف دیگر با دخول واجب می‌گردد و آیات ۴ و ۲۰ سوره «نساء» و ۲۳۸ سوره «بقره» پرداخت مهریه را مفصلاً بیان کرده‌اند و نیاز به تکرار اینچنین نبود.

اختلاف شیعه و سنی در آیه متعه

اهل سنت با تکیه بر معنای لغوی کلمه «اسْتَنْتَعْتُمْ» در آیه ۲۴ سوره «نساء»، استنباط دیگری دارند. واژه استمتاع که متعه نیز از همان ریشه است، در لغت به معنای تمتع، التذاذ، لذت بردن و کام گرفتن است. بنابراین، معنای آیه مزبور از نظر اهل سنت چنین می‌شود: «ای فما انفعتم و تلذذتم به من النساء بالنکاح الصحيح فاتوهن اجورهن ای مهورهن کاملاً بعد الدخول و نصفاً قبل الدخول». از این رو، آیه را این‌گونه ترجمه می‌کنند: هرگاه از همسران (دائمی) خود کام گرفتید، مهر آنان را بپردازید، که این بر شما واجب است. بنابراین، از نظر اهل سنت در این آیه هیچ دلالتی بر مسئله متعه وجود ندارد. (کشف الاسرار، به نقل از: هادی، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

البته چنان‌که خود اهل سنت روایت کرده‌اند، برخی از صحابه (از جمله ابن

عباس و دیگران) نیز آیه فوق را به گونه‌ای دیگر و موافق با نظر شیعه معنا کرده‌اند. فقهای شیعه نیز معتقدند که استمتاع به معنای متعه‌گیری است و معنای «فَاِشْتَنَفْتُمْ» این است که اگر زنان را به متعه می‌گیرید، باید مهر آنان را بپردازید. (هادی، ۱۳۷۳، ص ۱۷)

امام فخر رازی در تفسیر آیه ۲۴ سوره «نساء» می‌نویسد: ما انکار نمی‌کنیم که متعه در اسلام مباح بوده است، چیزی که می‌خواهیم بگوییم این است که بعداً تحریم شده است. (توفیق الفکیکی، به نقل از هادی، ۱۳۷۳، ص ۱۵)

با نگرشی عمیق به آراء و نظریات مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که در تمام این نظریات یک نقطه مشترک وجود دارد و آن این است که ازدواج موقت در یک زمان، آن هم زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حلال بوده است. (سجاد، ۱۳۷۵، ص ۸۴)

روایات متعه (از دیدگاه اخبار و احادیث شیعه)

به طور کلی، روایات شیعه از متعه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که دال بر جایز بودن و علت جواز متعه است.

۲. روایاتی که دال بر مستحب بودن متعه است.

۳. روایاتی که دال بر مکروه بودن متعه یا گروه بخصوصی است.

۴. روایاتی که دال بر احکام و شرایط متعه است.

در ذیل، به برخی از روایات درخصوص متعه اشاره می‌شود:

۱. ابابصیر می‌گوید: در مورد ازدواج موقت از امام صادق علیه السلام سؤال کردم،

حضرت فرمود: در همین مورد این آیه نازل شد: «فَاِشْتَنَفْتُمْ بِهٖ مِنْهُنَّ فَاَتْرَهُنَّ»

أَجُوزُ هُنَّ فَرِيضَةٌ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ. * (کلینی، ۱۳۷۷ ق، ج ۵، ص ۳۴۸، حدیث ۱ / حرعاملی، ۱۳۷۶ ق، ج ۱۴، ص ۴۳۶، حدیث ۱ / عیاشی سمرقندی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۳۳، حدیث ۸۶)

۲. محمد بن فیض می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد متعه سؤال نمودم، حضرت فرمود: آری، اشکال ندارد وقتی که زن عارفه و آگاه باشد. (شما را از چند دسته زنان بر حذر می‌دارم:) از کواشف بر حذر باشید؛ از دواعی بر حذر باشید؛ از بغایا بر حذر باشید؛ از شوهرداران بر حذر باشید. عرض کردم: کواشف چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی که کشف شده هستند و خانه‌هایشان شخصی است و رفت و آمد (نامشروع) دارند. عرض کردم: دواعی چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که مردان را به خود می‌خوانند و به فساد شناخته شده‌اند. عرض کردم: بغایا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که معروف به زنا می‌باشند. عرض کردم شوهرداران چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که به طور غیر شرعی طلاق داده شده‌اند. * (حرعاملی، ۱۳۷۶ ق، کتاب النکاح ابواب المتعه و اباحتها، حدیث ۳)

۳. حفص بن یختری از امام صادق علیه السلام درباره مردی که دوشیزه‌ای را متعه کند سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود: به خاطر عیب و عاری که به خانواده‌اش می‌رسد مکروه است. (طوسی، ۱۳۹۲ ق، ج ۷، ص ۲۲۵)

* به نظر می‌رسد منظور از طلاق غیر شرعی طلاق است که ضوابط و شرایط صحت را نداشته باشد مانند طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس در حالیکه مرد نیز غائب نیست.

۴. زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد تعداد زن‌های ازدواج موقت سؤال نمودم، حضرت فرمود: هر چه می‌خواهی. (جرعاعلی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۶، حدیث ۳)

۵. امام کاظم (ع) به علی بن یقطین که در مورد متعه سؤال کرده بود فرمود: تو را با متعه چه کار؟ و حال آنکه خداوند تو را از آن بی‌نیاز ساخته. (جرعاعلی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴، باب ۵، ابواب متعه، حدیث ۱)

۶. امام رضا (ع) به فتح بن زید فرمود: ازدواج موقت برای کسی رواست که همسر ندارد تا با صیغه کردن پاک دامنش پیشه کند، ولی کسی که دارای همسر است، فقط هنگامی می‌تواند به این کار دست بزند که دسترسی به همسر خود نداشته باشد. (همان، ج ۱، باب ۵، ابواب متعه، حدیث ۲)*

اجماع علما در خصوص متعه

نوری در شرحی که بر صحیح مسلم نوشته، از قاضی باقلانی نقل می‌کند که وی چنین گفته است: علما متفق القول هستند که متعه نکاح موقت بوده و ارث ندارد. نیز از مازری نقل کرده که گفته است: ثابت شده که در ابتدای اسلام نکاح متعه جایز بوده است. از این کلام نوری که نقل کرده علما متفق القول هستند. متعه نکاح موقت است، محقق و مسلم می‌شود که علمای اسلام بر مشروعیت متعه بالاجماع

* بخش روایات از منابع ذیل نقل شده‌اند: سجاد، سید محمد حسین؛ ص ۱۲۸-۱۳۳ / مجتبی، احمد؛ در مسیر زندگی با ازدواج دائم یا موقت؛ قم: الهادی، ۱۳۷۰، ص ۹۲ / عباس‌زاده، عباس؛ ص ۷۱-۷۰ و ۱۱۶-۱۲۲ / امین، شهرام؛ ازدواج موقت، ایمان یا هوس؛ قم: مؤمنین، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۵۰.

متفق القول هستند، فقط اختلاف بر سر آن است که آیا متعه نسخ شده و یا ثابت مانده است. (یوسف مکی، ۱۳۴۲، ص ۲۷) اهل سنت قایل به نسخ متعه هستند و شیعیان بر حلیت متعه اجماع دارند.

بررسی حقوقی متعه در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران برگرفته از فقه شیعه اثنا عشری است. از این رو، به نکاح منقطع نیز پرداخته و احکام آن را به صورت قانون بیان داشته است. نکاح دائم و منقطع در اکثر احکام و آثار با یکدیگر مشترکند، بجز آثار و احکامی چند از نظر مهر و نفقه و شرایط. با امعان نظر در شرایط و احکامی که میان نکاح دائم و منقطع متفاوت است، این نکته به دست می‌آید که در نکاح منقطع از لحاظ امکان پیش‌بینی شرایط، آزادی بیشتری وجود دارد. (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲)

در این بخش، مواد قانون مدنی که اختصاصاً به نکاح منقطع پرداخته‌اند و یا اشاره‌ای به آن داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.* ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی، متعه را این‌گونه تعریف می‌کند: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.» طبق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، مرد موظف به ثبت ازدواج دائم در دفاتر ازدواج است. با قید ازدواج دائم در این ماده، معلوم می‌شود عدم ثبت ازدواج موقت در دفاتر رسمی ازدواج مشمول مجازات این ماده نمی‌باشد. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۹۵) از سوی دیگر، اطلاق ماده ۱ قانون ازدواج (مصوب

* در بحث از مواد قانون مدنی، کتاب محقق داماد (۱۳۷۹) منبع بوده است، مگر آنکه منبع دیگری ذکر گردد.

۱۳۱۰) و ماده ۳۱ قانون ثبت اسناد (مصوب ۱۳۵۵) درخصوص واژه «نکاح» حاکی از این است که ازدواج باید به ثبت برسد، اعم از اینکه دائم باشد یا منقطع. ماده ۳۲ همین قانون نیز قرینه‌ای دارد که مؤید این استدلال می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد: طلاق، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی به ثبت نرسیده باشد، با ارائه اقرارنامه رسمی، در اسناد ثبت احوال طرفین ثبت خواهد شد. (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲)

«مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.» (ماده ۱۰۷۶ ق.م) و زوجه منقطعه ارث نمی‌برد. ماده ۹۴۰ ق.م درخصوص ارث زوجین می‌گوید: «زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.» مفهوم مخالف این ماده، بر عدم توارث زوجین در ازدواج موقت دلالت دارد.

«در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.» (ماده ۱۰۹۵ ق.م) «در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.» (۱۰۹۶ ق.م) قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه در ذیل ماده فوق مقرر داشته است که چنانچه مدت معین شده در عقد نکاح منقطع سپری گردد در حالی که شوهر با زن نزدیکی نکند، بدون آنکه ممانعتی از ناحیه زوجه سر بزند، زوج ملزم است که تمامی مهر را پرداخت نماید. توضیح آنکه هرگاه زن بعد از نزدیکی قبل از پایان مدت ناشزه شود از مقدار مهر به نسبت مدت کسر می‌گردد. (نجفی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۶۶)

«در نکاح منقطع، هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.» (ماده ۱۰۹۷ ق.م) منظور از بخشیدن تمام مدت قبل از

نزدیکی، بخشیدن تمامی مدت باقی مانده است از زمان هبه، نه تمام مدت از تاریخ عقد. (نجفی، ۱۳۷۷ ق، ج ۳۰، ص ۱۶۶ / شهید ثانی، ۱۲۸۲ ق، ج ۱، ص ۵۰۲) بنابراین، چنانچه حتی پس از انقضای مدتی پس از عقد، مادام که نزدیکی اتفاق نیفتاده است، مدت باقی مانده را ببخشد باز هم مشمول این ماده خواهد بود. و قید «قبل از نزدیکی» بیانگر آن است که اگر بعد از نزدیکی زوج مابقی مدت را ببخشد چیزی از مهر کسر نمی شود. مشهور فقها در این مطلب تردیدی ندارند، ولی صاحب جامع المقاصد در مسئله تردید نموده است. (نجفی، ۱۳۷۷ ق، ج ۳۰، ص ۱۶۷)

«در صورتی که عقد نکاح، اعم از دائم یا منقطع، باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته، شوهر می تواند آن را استرداد نماید.» (ماده ۱۰۹۸ ق.م) این مسئله نزد فقها قطعی و جزء مسلمات است و قواعد نیز همین امر را اقتضا دارد؛ زیرا مهر لازمه عقد صحیح است و چون عقد باطل بوده، چیزی به عنوان مهر بر عهده زوج نخواهد بود. «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد، مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شد باشد.» (ماده ۱۱۱۳ ق.م)

«عقد نکاح به فسخ یا به طلاق، یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود.» (ماده ۱۱۲۰ ق.م) «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه در انقضای مدت یا بذل آن از طرف شوهر، از زوجیت خارج می شود.» (ماده ۱۱۳۹ ق.م) یکی از شرایط معتبره در صحت طلاق این است که عقد دائم باشد، بنابراین، طلاق نسبت به زن منقطعه واقع نمی شود. زن در نکاح منقطع نیز باید عده نگه

دارد. «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند.» (ماده ۱۱۵۰ ق.م.) «عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل، دو طهر است، مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.» (ماده ۱۱۵۲ ق.م.) «عده وفات، چه در دائم و چه در منقطع، در هر حال چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت، عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد، و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.» (ماده ۱۱۵۴ ق.م.)

در قانون مدنی، تعداد زوجات نکاح منقطع محدود نشده است. البته طبق ماده ۶ قانون ازدواج، مرد مکلف است در موقع ازدواج، به زن و عاقد صریحاً اطلاع دهد که زوج عیال دیگر دارد یا خیر و این موضوع باید در دفتر ثبت ازدواج و قبالة نکاحیه قید گردد. به نظر می‌رسد که اجرای این ماده علاوه بر اینکه در نکاح دائم الزامی است، ذکر آن در نکاح منقطع هم ضروری است، در صورتی که مرد خلاف واقع اظهار کند، فریب محسوب شده، به شرح ماده ۵ قانون یاد شده، از شش ماه تا دو سال به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۹۶) البته باید به این نکته هم توجه داشت که طبق مفهوم مخالف ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، ثبت نکاح منقطع در دفاتر ثبت الزامی نیست.

«در مورد تعداد زنان در نکاح منقطع، نظر مشهور فقهاء امامیه این است که مرد در مورد نکاح منقطع محدود به چهار زن نیست و حتی بعضی مدعی اجماع

نیز شده‌اند. (فاضل مقداد؛ ۱۳۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۴۲ / الثعالبی، ۱۳۰۱ ق، ص ۱۶۶ / سیدمرتضی، ۱۳۱۵ ق، ص ۷۵) ولی باید دانست که بزرگانی از فقها نیز با آزادی مرد مخالفت کرده‌اند و به استناد ظاهر قرآن (نساء: ۳) و اخبار رسیده از معصوم علیه السلام مرد را در مجموع زنان صیغه و دائم خود محدود به چهار دانسته‌اند (ابن حمزه، به نقل از: نجفی، ۱۳۷۷ ق، ج ۳۰، ص ۸ / شهید ثانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۰۶-۲۰۷ / همو، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۴۸۸) یا برای جمع بین اخبار، دست کم تجاوز از چهار زن را مکروه شمرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۹۵)

امکان و موانع متعه در جامعه ایران

معمولاً در دوران معاصر، متعه به عنوان راه‌حلی در برابر به تأخیر افتادن ازدواج دائم جوانان مطرح می‌شود و رویکردها به این سمت است که اگر جوانان نمی‌توانند در سنین بلوغ با داشتن شغل و درآمد مناسب، ازدواج دائم داشته باشند، با ازدواج موقت نیازهای خود را در چند سال اول پس از بلوغ برطرف سازند و سپس با به دست آوردن جایگاه مناسب اقتصادی - اجتماعی ازدواج دائم کنند.

این دیدگاه، مخالفان و موافقانی دارد. شهید مطهری در دوران معاصر، شاید از اولین کسانی باشد که متعه را به عنوان یکی از قوانین مترقی اسلام (شیعه) مطرح نمود: «یکی از قوانین درخشان اسلام از دیدگاه مذهب جعفری - که مذهب رسمی کشور ماست - این است که ازدواج به دو نحو می‌تواند صورت بگیرد: دائم و موقت. تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که

ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود آزاد است؛ یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین است، حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی به طرفین می‌بخشد و زمان را در اختیار آنها قرار می‌دهد.» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

دکتر شریعتی نیز نظر مساعدی نسبت به ازدواج موقت داشته است؛ البته با برخی از اصلاحاتی که باید انجام می‌گرفت؛ «ازدواج موقت نه در شکل فعلی آن، مترقی‌ترین سنتی است که وضع شده است و به نظر من تحلیل علمی و جامعه‌شناسی و بخصوص روان‌شناسی ازدواج موقت نه تنها بزرگ‌ترین، بلکه تنها راه‌حل مسئله بحران جنسی نسل جوان در جهان امروز است. در طرح ازدواج موقت اول باید از آن دفاع کرد و آن سابقه ذهنی بسیار زشت و سوء را شست و بعد جایش به عنوان مترقی‌ترین مسئله در حل مشکل امروز نسل جوان دنیا جانشین کرد و فلسفه‌اش را گفت و تحلیل درست و علمی کرد. ازدواج موقت در شکل فعلی شاید نمونه بسیار بارز و برجسته‌ای از آن شکل قوانین و سنت‌هایی باشد که الان به آن عمل می‌شود و با آنچه که حقیقت و روح این قانون و سنت است تضاد دارد. یعنی قضاوت‌هایی که روشنفکر نسبت به شکل فعلی ازدواج موقت دارد، بسیار زشت و نفرت‌آور است.» (به نقل از: جزایری، ۱۳۸۱، ص ۵۱)

پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۹، با مطرح شدن ازدواج موقت در خطبه‌های نماز جمعه توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این موضوع در مطبوعات و محافل اجتماعی مطرح گردید. در آن زمان، مسئولان از این پیشنهاد حمایت کردند و درخواست نمودند که مجلس برای آن طرحی مصوب نماید تا قانون مدونی در این زمینه باشد. آیت‌الله مشکینی از زمره اولین کسانی بود که از سخنان رئیس‌جمهور وقت حمایت نمود.

گرچه در این باره قانونی از مجلس نگذشت، اما پس از آن، یک جریان فکری در جامعه به وجود آمد، به گونه‌ای که برخی راه‌حل تمامی مسائل و مشکلات ازدواج جوانان را در همین ازدواج موقت می‌دیدند و بر ترویج آن اصرار داشتند. برخی از دلایل و توجیهاتی که برای جا انداختن ازدواج موقت در جامعه آورده می‌شود عبارتند از:

۱. غریزه جنسی باید ارضا شود، وگرنه به راه‌های نامشروع کشیده خواهد شد.
۲. ازدواج موقت به روابط جنسی قانون و نظم می‌بخشد و از فحشا جلوگیری می‌کند.

۳. ازدواج موقت برای جوانان آسان است و مشکلات ازدواج دائم را ندارد.
البته برخی هم تأمل در ترویج ازدواج موقت را ضروری دانسته‌اند و مسائلی را که ازدواج موقت می‌تواند به وجود آورد، گوشزد کرده‌اند. برای مثال، یوسفی اشکوری در این زمینه می‌نویسد: «از نظر تاریخی آثار ازدواج موقت مثبت نبوده است. موانع ذهنی و فرهنگی و واکنش منفی مردم به ازدواج موقت ریشه دار است. اگر دوشیزه‌ای ازدواج موقت بکند، بر اثر ارزش اجتماعی باکره بودن، دیگر نمی‌تواند تشکیل زندگی دائمی بدهد و تعداد زنان بیوه و مطلقه هم به حدی نیست که پاسخگوی تمام جوانان باشد. تازه این زنان اغلب حاضر نیستند که به عقد جوانی درآیند که آنها را فقط برای رفع شهوت می‌خواهد. نباید تأثیرپذیری از فرهنگ اصالت لذت غرب داشت و کام‌جویی جنسی را بیش از اندازه برجسته نمود، گویا قرار است به هر راهی و قیمتی شده چاره‌ای برای ارضای غریزه پیدا شود.» (به نقل از: جزایری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷)

برخی نیز پیشنهاد کرده‌اند تا قانون مدونی برای ازدواج موقت به وجود آید تا در چارچوب قانون از بروز مشکلات بعدی پیش‌گیری گردد؛ «اولاً، پیش از ازدواج، هر یک از زن و مرد با مشاوره حقوقی که با کارشناسان انجام می‌دهند با قانون متعه آشنا شوند و بدون آشنایی با قانون متعه و ارائه گواهی‌نامه طی آن دوره، نتوانند عقد خود را به ثبت برسانند تا اینکه در صورت اقدام به ازدواج موقت با مشکلات کمتری روبه‌رو شوند. ثانیاً، عقد متعه رسماً به ثبت برسد. ثالثاً، انحلال آن نیز رسماً به ثبت برسد. رابعاً، شروط ضمن عقد طرفین در عقدنامه رسمی درج گردد. خامساً، مدت و میزان مهر نیز کاملاً مشخص باشد.» (عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷)

بزرگیان در تحقیقی که با استفاده از روش «دلفی» انجام داده و نظرات کارشناسان خبره را جویا شده است، در پی رسیدن به طرح ازدواج آسان با الگو قرار دادن متعه برآمده است؛ طراحی نوعی ازدواج قراردادی مبتنی بر خواسته‌ها، نیازها و ظرفیت‌های زوجین با استفاده از ساختار حقوقی متعه. بزرگیان بر این عقیده است که چنین ازدواجی می‌تواند به رفع نابرابری‌های حقوقی میان زن و مرد در خانواده بینجامد و زنان از آزادی‌های بیشتری در ساختار خانواده برخوردار شوند. (بزرگیان، ۱۳۸۴، ص ۸۷) کسب آزادی بیشتر برای زنان در متعه را زینلی (۱۳۷۷، ص ۱۴) و کریمی زنجانی اصل (مرنیسی، ۱۳۸۰، مقدمه) نیز مطرح کرده‌اند. اما نظر متخصصانی که در تحقیق بزرگیان مشارکت داشته‌اند کاملاً موافق نبوده است.

«از نظر متخصصین، با ترویج عقد متعه، نظام خانواده که به صورت کنونی

وجود دارد - یعنی زن و مردی که به منظور زندگی مشترک و همیشگی به منظور بقای نسل و ایجاد ارتباطات خویشاوندی با خانواده‌های طرفین، پیمان عقد دائم می‌بندند - تضعیف می‌شود و این عقد قراردادی سبب تحکیم روابط زوجین به صورتی که نرخ جدایی زوجین کاهش یابد، نمی‌شود. در مورد اینکه این طرح راه حل مناسبی برای رفع نابرابری‌های زن و مرد در خانواده است یا خیر، به علت برابر بودن پاسخ‌های موافق، مخالف و بی‌نظر، نمی‌توان اظهار نظر درستی کرد.» (بزرگیان، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳)

«با ترویج این عقد از نظر متخصصین، قوانین حمایتی از زن، مثل نفقه و حضانت فرزندان توسط پدر، در جامعه به مرور از بین می‌رود و مسئولیت فرزند متولد شده از عقد متعه به دلیل وابستگی مادران به فرزند بر دوش مادر می‌افتد و در نتیجه، به دلیل محرومیت و فقر نسبی زنان نسبت به مردان، جامعه مواجه با خانواده‌های تک والده محرومی خواهد شد که نیاز به حمایت خواهند داشت و طبیعتاً این نیاز باید در قالب حمایت و کمک‌های دولتی از فرزندان و مادران تأمین شود. در صورت ترویج این عقد میزان تنوع‌طلبی و شهوت‌رانی افراد، خصوصاً مردان، در جامعه کاهش نخواهد یافت. البته متخصصین متذکر می‌شوند که باید قوانینی وجود داشته باشد که از تنوع‌طلبی مردان متأهل و فرزنداندار جلوگیری به عمل آید و یا این عقد برای این مردان ممنوعیت و مجازات قانونی داشته باشد... متخصصین هرگونه دست‌کاری در قوانین فعلی را موجب بدتر شدن وضعیت دیده و توانایی تدوین مواد قانونی مناسب برای این عقد را در سیستم قانونی کشور نمی‌بینند.» (بزرگیان، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴)

با مروری گذرا بر نظرات کسانی که در این زمینه پژوهشی انجام داده و یا کتابی به رشته تحریر درآورده‌اند، می‌توان متوجه دو موضوع اصلی شد: اولاً، در زمینه ازدواج دائم جوانان مشکلات فراوانی وجود دارد. از این‌رو، باید راه‌حلی برای رفع نیاز شهوانی جوانان اندیشید. ثانیاً، مسائل و مشکلات بسیاری در رواج ازدواج موقت وجود دارد که مانع اقدام عملی مسئولان در این زمینه می‌شود. اگر ازدواج موقت را به عنوان راه‌حل به تعویق افتادن ازدواج دائم جوانان در نظر بگیریم، باید به سؤالات و مسائل ذیل پاسخ گوئیم:

۱. ازدواج موقت یعنی: داشتن شرکای جنسی متعدد در جوانی. در فرهنگ ایرانی، زن یک‌بخته (زنی که فقط یک‌بار ازدواج کرده و دارای شوهر است) ستایش می‌شود. اگر حساسیت‌هایی را که برای دوشیزه بودن دختر وجود دارد نادیده بگیریم، باز هم نمی‌توان در این فرهنگ چند بار ازدواج کردن یک زن را جا انداخت. اگر قصد اصلی برای ازدواج، ازدواج دائم باشد، می‌توان گفت: زنی که یک و یا دوبار ازدواج موقت کرده باشد برای همیشه امکان یک ازدواج دائم مناسب و در شأن خود را از دست خواهد داد. مردان نیز در فرهنگ ایرانی تمایل ندارند به عنوان مردی چند زنه و یا مردی چند بار ازدواج کرده شناخته شوند و همین، دلیل پنهان کردن ازدواج‌های دائم دوم و سوم و یا ازدواج موقت است. جوانی که ازدواج موقت می‌کند، آیا بعدها در ازدواج دائم خود دچار مشکل نخواهد شد؟ حتی کسانی که به شدت طرفدار ازدواج موقت هستند، آن را مقدمه‌ای بر ازدواج دائم جوانان می‌دانند و نه ازدواجی جدای از ازدواج دائم. شاید از لحاظ فرهنگی حتی برای آنان نیز این نوع ازدواج جوانان جا نیفتاده است. «تا وقتی که انسان

بخواهد فراغت از گذراندن دوران تخصصی و... حاصل نماید تا ازدواج دائم بکند چه مانعی دارد دو نفر زن و مرد یا دختر و پسر که دوران تخصصی خود را می‌گذرانند، ازدواج موقت بکنند و بعد از طی دوران، ازدواج موقت را تبدیل به دائم بکنند. اسلام هم از این لحاظ هیچ مانعی و رادعی ندارد.» (موسوی زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶-۱۲۷)

۲. فرض بر این است که بیشترین میزان ازدواج موقت را مردان جوانی انجام می‌دهند که توانایی مالی کافی برای ازدواج دائم و پرداخت نفقه زن و فرزند ندارند. بدین سان، مهریه‌ای را هم که این مردان پرداخت می‌کنند در حدی نخواهد بود که برای تأمین همه هزینه‌های زندگی زن متعه کفایت کند. در نتیجه، یا باید گفت که این زنان همچنان تحت حمایت خانواده پدری باقی بمانند و یا باید آنان را به عنوان افرادی کاملاً مستقل در نظر گرفت و نسبت به تأمین شغل و مسکن و سایر امکانات برای آنان اقدام نمود. آیا در حال حاضر امکان‌پذیر است که برای همه زنان و مردان در سن اشتغال، شغلی را تدارک دید که کفایت زندگی‌شان را نماید؟ آیا می‌توان از زن و مردی که برای مدت کوتاهی با یکدیگر زندگی می‌کنند انتظار داشت در امور مالی شریک شوند؟ اگر زن در این میانه باردار شود چه باید کرد؟ آیا همچنان باید هم به تأمین مخارج زندگی خودش بپردازد و هم بار فرزند را بر دوش کشد؟ پدری که توانایی ازدواج دائم را نداشته است، حال چگونه می‌تواند از عهده مخارج یک کودک برآید؟

۳. وقتی گفته می‌شود ازدواج موقت آزادی‌های بیشتری برای زن فراهم

می‌کند، در واقع، در ناخودآگاهمان زنی غربی را در نظر گرفته‌ایم؛ زنی با مسکن

مستقل، شغل مناسب و بدون ارتباط با شبکه فامیلی. زنان ایرانی در بالاترین میزان اشتغال، در حدود ۱۳٪ شاغل بوده‌اند. در فرهنگ ایرانی زندگی زن تنها در خانه‌ای مستقل مقبول نیست. هنوز هم صاحب‌خانه‌هایی هستند که از اجاره دادن خانه‌شان به زنی تنها ابا دارند و مهم‌تر از همه اینکه هنوز هم ارتباطات فامیلی در جامعه ایرانی شبکه پیچیده و به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند. در چنین شبکه‌ای نمی‌توان بر خلاف عرف رفتار کرد. حتی اگر آنچنان که برخی می‌گویند، ازدواج موقت را در فرهنگ مردم جا بیندازیم، باز هم نسبت به ازدواج دائم در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و زنی که به آن اقدام می‌کند، اگر سرافکنده نباشد، حتماً موجبات دلسوزی و ترحم دیگران را نسبت به خود فراهم می‌آورد. پس به دنبال کدام آزادی بیشتر برای زنان هستیم؟

۴. هدف از ازدواج موقت تمتع جنسی است و نه تولید نسل. اگر قرار بر ترویج و گسترش این نوع ازدواج در میان جوانان باشد و آنان نیز بنا بر عرف این نوع ازدواج از فرزندان شدن خودداری کنند، طی چند دهه بعد با همان مشکلی مواجه خواهیم شد که اکنون کشورهای غربی با آن دست به گریبانند؛ کاهش جمعیت و رشد منفی آن.

اما ازدواج موقت فقط اختصاص به مردان ندارد. مردان متأهلی هم هستند که با داشتن همسر دائم اقدام به این نوع ازدواج می‌کنند. در مورد این مردان، مسائل ذیل مورد توجه‌اند:

۱. ازدواج یک رابطه عاطفی میان دو فرد است؛ رابطه‌ای بسیار نزدیک که پنهان‌ترین زوایای زندگی دو فرد بر یکدیگر آشکار می‌شود. حال اگر در این رابطه

نفر سومی پا بگذارد و بخواهد شبیه همان روابط را با فردی از آن زوج داشته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

در واقع، یک گروه دو نفره تبدیل به گروه سه نفر خواهد شد. زیباترین توصیف از این تبدیل را زیمل^۱ بیان کرده است. از نظر او، زوج (زن و شوهر بدون فرزند) نمونه تیپ یک گروه دو نفره هستند که از لحاظ کیفی با همه انواع گروه‌های دیگر متفاوتند؛ از این حیث که هر یک از مشارکت‌کنندگان فقط با دیگری سر و کار دارد و نه با یک واحد جمعی. چون گروه دو عضوی ویژگی‌های تشکیلات فرافردی کم و بیش مستقل از هر یک از افراد را ندارد، هر یک از آنها برای بقای گروه مسئولیت مشترک دارند و هیچ کس نمی‌تواند با واگذاری مسئولیتش شانه خالی کند. با ورود شخص ثالثی در گروه دو عضوی، همه این ویژگی‌ها و پیکربندی جامعه‌شناختی‌اش بکلی تغییر می‌کند. درست مثل کارکرد درها و پل‌ها، شخص ثالث هم کارکرد مضاعفی دارد؛ هم وصل می‌کند، هم جدا می‌سازد. به محض آنکه روابط غیرمستقیم میان «الف» و «ب» با واسطه‌گری «ج» به روابط مستقیمشان افزوده شود، این روابط [مستقیم] ممکن است تقویت یا تضعیف شوند. با این وصف، این روابط بیشتر اوقات صورت پیچیده‌ای پیدا می‌کنند؛ زیرا هر قدر هم که روابط در گروه سه عضوی همبسته و بی‌درز باشد، همیشه لحظه‌ای فرا می‌رسد که یکی از آنها احساس کند از سوی دو تای دیگر طرد شده است. هر رابطه عاطفی میان دو شخص، به صرف داشتن یک تماشاگر، ملتهب می‌شود. بدین‌سان، تجزیه احتمالی گروه سه عضوی به دو یا سه گروه دو عضوی تبیین می‌شود که قادر است

* Simmel, Georg.

اتلاف‌های چندگانه و اتحادهای متغیر تشکیل داده و از گذر آن موازنه قدرت را به نفع یک اکثریت جانشین تغییر دهد. (واندنبیگ، ۱۳۸۶، ص ۷۳)

همسر دوم مرد - در واقع - نقش نفر سوم را در گروه دو عضوی دارد. با ورود او همه روابط پیشین میان زن اول و شوهرش بر هم می‌ریزد. ساده‌ترین پیش‌بینی آن است که گروه تجزیه شود؛ یعنی طلاق رخ دهد. این یعنی متلاشی شدن یک خانواده که تشکیل شده بود تا مأمنی برای زن و مرد و فرزندان‌شان باشد. تنها راه جلوگیری از آن، پنهان کردن ازدواج دوم است. اما آیا اولین ویژگی یک زندگی مشترک سالم، صداقت نیست؟ این تضاد را چگونه می‌توان حل کرد؟

۲. تا چه حد باید به ارضای غریزه جنسی بها داد؟ آیا اگر مردی همسر دار از ازدواج دائم خود احساس ناراضی‌ت می‌کند، باید ازدواج موقت را به او پیشنهاد داد و یا نیاز به آموزش و یادگیری برقراری روابط صحیح زناشویی با همسرش دارد؟ آیا در حال حاضر با توجه به وجود بیماری‌های مقاربتی همچون ایدز، می‌توان پیشنهاد ازدواج موقت را به راحتی مطرح کرد؟ جالب است که برخی نویسندگان، ازدواج موقت را راه حلی برای پیش‌گیری از ایدز می‌دانند؛ «به این سؤال دقت کنید: آیا جوان شما مطلقاً ازدواج موقت باشد بهتر است یا خدای ناکرده ایدز بگیرد؟ ما اگر این بحث را طرح کردیم بدان دلیل است که جوانان به سمت راه‌های غیر مجاز و مخفی کشیده می‌شوند. در این مسیرها امراض خطرناک و کشنده‌ای مثل ایدز هم وجود دارد. پس اگر نمی‌توان شرایط ازدواج را فراهم کرد ازدواج موقت بهترین راه‌حل، بعد از آن خواهد بود. البته باید قانونمند و ضابطه‌مند باشد.» (علی‌زاده اشکوری، ۱۳۸۲، ص ۳۵-۳۶)

نویسنده محترم توجه نداشته‌اند که گسترش ایدز به خاطر مشروع یا نامشروع بودن روابط نیست، بلکه به دلیل داشتن شرکای جنسی متعدد است که میزان خطرپذیری بالا می‌رود. در ازدواج موقت که زن و مرد در طول یک سال می‌توانند شرکای جنسی متعدد داشته باشند و از سوی دیگر، آزمایش‌ها از ۶ ماه بعد از ورود ویروس HIV به بدن، مثبت خواهند شد، چطور می‌توان از سالم بودن شریک جنسی اطمینان حاصل کرد؟ نتیجه این خواهد شد که در چنین مواقعی با ترویج ازدواج موقت، عده‌ای انسان معتقد به موازین شرعی را هم گرفتار ویروس HIV کرده‌ایم، در حالی که پیش از آن، دست‌کم افرادی که مقید به موازین اسلامی نبوده‌اند، گرفتار می‌شدند. این مسائل در حالی است که به علت عدم ثبت ازدواج موقت در شناسنامه افراد، به هنگام ازدواج دائم، همسر دائمی نمی‌تواند از تعداد شرکای جنسی قبلی همسر خود آگاه شود و در ضمن، هیچ کوششی هم برای آموزش پیش‌گیری از ایدز و امراض مشابه (برای مثال، هپاتیت C) در روابط زناشویی به افراد داده نمی‌شود. در حالی که با کاربرد یک وسیله ساده می‌توان دست‌کم در دوره کمون بیماری، از انتقال آن به همسر جلوگیری نمود و این اطمینان را به شریک زندگی افراد داد که در صورت ابتلای همسرانشان، آنان از بیماری مصون خواهند بود. ضمناً چه دلیلی دارد که ازدواج موقت بدون ثبت و به صورت مخفیانه انجام گیرد؟ پیشنهاد برخی نویسندگان محترم کتاب‌ها در این زمینه کاملاً تعجب‌آور است: «به علت جو نامطلوب جامعه، اگر سعی شود که ازدواج موقت پنهانی باشد بهتر است. البته اگر دختر و پسر از یک روحانی یا از یک دفتر ازدواج و یا دفتر مرجع تقلید خود دست‌نوشته‌ای مبنی بر ازدواج موقت داشته باشند بهتر است تا اگر احیاناً ارتباط آنها فاش شد از تهمت زنا در امان بمانند.» (امین، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱)

به نظر می‌رسد در مقوله ازدواج موقت حمایت خانواده‌ها کاملاً از یاد رفته است و ما جوانان را افرادی رها در سطح جامعه تصور کرده‌ایم و نه افرادی دارای شبکه‌های خویشاوندی و خانواده، و همین امر باعث شده به جای آسان کردن مشکلات، مشکلی بر دیگر مسائل بیفزاییم.

۳. چه تضمینی وجود دارد که مردان متأهل فقط در شرایطی همسر موقت اختیار کنند که در مضیقه هستند و به علت عدم رابطه زناشویی با همسرشان، دچار مشکل شده‌اند؟ آیا با دادن مجوز بی‌قید و شرط ازدواج موقت به مردان، از آنان افرادی ذواق نساخته‌ایم که دایم در پی تجربه‌های تازه‌اند؟

حال باید پرسید در برابر این مسائل چه می‌توان کرد؟ ارائه راه‌حل در چنین موارد پیچیده‌ای که ابعاد مختلف جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دارد، نیازمند تحقیق و تفکر و خلاقیت خبرگان است، اما به طور مختصر می‌توان به نکاتی اشاره کرد:

درباره جوانان، دلایل این امر واضح نیست که چرا به جای آسان کردن ازدواج دائم و وابسته کردن روح افراد به یک شریک زندگی، می‌خواهیم با ازدواج‌های متعدد افراد را به افرادی ذواق و بدون عشق و صرفاً برطرف‌کننده غریزه، تبدیل کنیم. اگر از خط‌کشی‌های صرفاً حقوقی اندکی فاصله بگیریم به این نتیجه می‌توان رسید که با کمی چشم‌پوشی از مسئولیت‌های مرد در ابتدای زندگی و با کمی مدارای خانواده‌های پسر و دختر جوان، مسائل اقتصادی آنان قابل حل بوده و امکان ازدواج دائم از سنین کمتر، وجود خواهد داشت. دختر و پسری که ازدواج موقت می‌کنند، قرار است کجا زندگی کنند؟ به چه نحو از عهده مخارج بربایند؟ آیا غیر از این است که هر یک در خانواده پدری خود به سر می‌برند؟ اگر چنین است، چرا این تفکر رواج دارد که بلافاصله پس از

ازدواج دائم، مرد باید کلیه هزینه‌ها را بر عهده بگیرد؟ البته این کاملاً صحیح است که از لحاظ شرع و قانون این‌گونه است، اما آیا نمی‌توان با کمی ترویج فرهنگ اغماض و چشم‌پوشی، خانواده‌ها را به یاری فرزندانشان تشویق نمود؟ شاید گاهی هم بتوان مسائل را با همیاری و مساعدت حل کرد و نه فقط در چارچوب قانون!

درباره مردان متأهل نیز بدون بهره‌گیری از مشاوران تخصصی در زمینه روان‌شناسی و مسائل جنسی، تشخیص را به خود شخص واگذار نموده و مجوز ازدواج دیگری را برایش صادر می‌کنیم، بی‌آنکه از افراد خواسته شود تا به دنبال حل مشکل بروند. مشاوران خانواده آموزش‌های لازم و کافی دیده‌اند تا بتوانند دلایل ناسازگاری و سردمزاجی در روابط زناشویی را بیابند، آیا به جای استفاده از این مشاوران، باید به سراغ ایجاد رابطه‌ای تازه رفت؟ آیا تضمینی وجود دارد که این رابطه نیز مانند رابطه قبل دچار مشکل نشود؟ می‌توان با آموزش مهارت‌های رفتاری به مردان، بخش اعظم مشکلات زناشویی را حل کرد و برای اندک تعداد باقی‌مانده به سراغ راه‌حل ازدواج موقت رفت.

باید مد نظر داشت که قوانین اسلام، بنا بر مصلحت جامعه وضع شده‌اند و بنا بر مقتضای شرایط اجتماعی، می‌توان به نحوی مطلوب از آنها استفاده کرد. بنابراین، ازدواج موقت را نمی‌توان کاملاً به کناری نهاد و آن را نادیده گرفت؛ زیرا در شرایطی خاص استفاده از آن کاملاً ضروری است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که در این زمینه نیازمند احکام حکومتی هستیم تا قوانین شرع مقدس اسلام با شرایط فعلی جامعه هماهنگ شوند و باری از دوش مسلمانان بردارند و مشکلی را حل کنند.

نتیجه

متععه (نکاح منقطع) از جمله احکام اسلامی است که شیعیان در خلّیت آن اجماع دارند و در طول دورانی که متعه نزد اهل سنت حرام تلقی می‌شد، شیعیان بر اجرای آن اصرار داشته‌اند تا حکم را زنده نگه دارند. شاید بسیاری تأکیدات در احادیث مبنی بر ثواب متعه، در جهت همین امر باشد.

قانون مدنی ایران نیز با تأسی از فقه مذهب شیعه امامیه، نکاح منقطع را به رسمیت شناخته و قوانین آن را بیان کرده است، اما به نظر می‌رسد برای اجرای صحیح این نوع نکاح در سطح جامعه و پیش‌گیری از مشکلات و مسائل احتمالی، نیاز به قوانین اجرایی در حد مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی نیز باشد.

علاوه بر آن، بیرون از دایره حقوق، باید توجه به فرهنگ جامعه را نیز مدنظر قرار داد. شاید بسیاری از مشکلات درباره ازدواج دائم، از لحاظ فرهنگی و با تصحیح نگرش‌ها، قابل حل باشد. بهتر آن است که به ریشه‌یابی مشکلات پرداخت و با آموزش صحیح مهارت‌های زندگی به جوانان و خانواده‌های آنان، روش پایه‌گذاری یک زندگی مشترک مطلوب را به آنان آموخت، وگرنه اگر افراد راه‌حل صحیح برخورد با مشکلات و مسائل را آموزش نینند، می‌توان اطمینان داشت که راه‌حل‌هایی همچون ازدواج موقت نه تنها حلال مشکلات آنان نخواهد بود، بلکه مشکلی دیگر بر مجموعه مشکلاتشان می‌افزاید.

منابع

۱. امین، شهرام؛ ازدواج موقت، ایمان یا هوس؛ قم: مؤمنین، ۱۳۸۱.
۲. انصاری، شیخ مرتضی؛ متاجر شیخ مرتضی انصاری در المکاسب؛ نجف: جامعه الدینییه، ۱۳۹۲ ق.
۳. بزرگیان، مهناز؛ بررسی جامعه‌شناختی ساختار حقوقی ازدواج موقت در ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.
۴. ثعالی نیشابوری، عبدالملک ابی‌منصور؛ کنایه (النهایه فی التمریض والکنایه)؛ مکه: مطبعه المیریه، ۱۳۰۱.
۵. جزایری، سیدمحمد؛ ازدواج موقت؛ تهران: قادر، ۱۳۸۱.
۶. حائری، علی؛ ازدواج موقت در حقوق ایران؛ تهران: خاقانی، ۱۳۸۰.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ با تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، ۱۳۷۶ ق.
۸. زینلی، محمدحسین؛ ازدواج موقت؛ تهران: سوره، ۱۳۷۷.
۹. سجاد، سیدمحمدحسین؛ نگرشی نو بر ازدواج موقت؛ قم: الهادی، ۱۳۷۵.
۱۰. سیدمرتضی علم‌الهدی، ابوالقاسم علی بن حسین؛ الانتصار، چ سنگی، ایران: محمدعلی شیرازی، ۱۳۱۵ ق.
۱۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی؛ شرح لمعه؛ قم: دارالعلم، ۱۳۷۴.
۱۲. _____؛ مسالک الالهام الی تنقیح شرایع الاسلام؛ تهران: چاپ سنگی، ۱۲۸۲ ق.
۱۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: فراهانی، ۱۳۹۲ ق.
۱۴. صفائی، سیدحسین - قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ حقوق مدنی اشخاص و محجورین؛ تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۱۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ ج ۴ (ترجمه سیدمحمد خامنه)؛ قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۳.
۱۶. عباس‌زاده، عباس؛ ازدواج موقت نیاز امروز، بحث تاریخی تفسیری فقهی و اجتماعی؛ قم: شاکر، ۱۳۷۸.

۱۷. علی‌زاده اشکوری، ذبیح‌الله؛ ازدواج موقت، تعدد زوجات؛ تهران: فردوس، ۱۳۸۲.
۱۸. عیاشی سمرقندی، ابونصر محمد بن مسعود؛ التفسیر؛ تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، [بی‌تا].
۱۹. فاضل مقداد سیوری، مقداد بن عبدالله؛ کنزالعرفان فی فقه القرآن؛ ایران: محمداسماعیل بن علی اکبر خوانساری (چاپ سنگی)، ۱۳۱۳ ق.
۲۰. کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹.
۲۱. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ فروع کافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق.
۲۲. محقق داماد، سیدمصطفی؛ بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی)؛ چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۳. مرنیسی، فاطمه؛ زنان پرده‌نشین و نخبگان جوش پوش؛ ترجمه ملیحه مغازه‌ای؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۲۴. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ چاپ سی و دوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۲۵. موراتا، ساچیکو؛ ازدواج موقت (منته، صیغه)؛ تهران: همدی، ۱۳۵۸.
۲۶. موسوی زنجانرودی، سیدمجتبی؛ ازدواج موقت و اثر آن در اصلاح جامعه؛ قم: حافظ نوین، ۱۳۷۱.
۲۷. نجفی، محمدحسن بن محمدباقر؛ جواهر الکلام؛ با تصحیح شیخ عباس قوچانی، ج نجف، افست بیروت، ۱۳۷۷ ق.
۲۸. واندنبرگ، فردریک؛ جامعه‌شناسی جورج زیمل؛ ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر؛ تهران: توتیا، ۱۳۸۶.
۲۹. هادی، اسماعیل؛ دورنمای حقوقی ازدواج موقت؛ چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۰. یوسف مکی، سیدحسین؛ منته در اسلام و مشروعیت آن بر طبق احادیث و صحاح اهل سنت؛ دمشق: نزیل، ۱۳۴۲.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی